

اخبار و گزارش های کارگری 8 مهرماه 1405

- زنده و جاوید باد یاد و خاطره جان باختگان جمعه خونین زاهدان (8 مهرماه سال 1401)
- عفو بین الملل: چهار سال از «جمعه خونین» زاهدان و جان باختن 87 نفر گذشت
- ادامه اعتراضات کارگران کارخانه هپکو اراک نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی با راهپیمایی در سطح شهر و تجمع مقابل استانداری
- سراب گشایش در برخی حوزه های اجتماعی و فرهنگی در بن بست سیاسی و اقتصادی
- اعدام 2 کارگرازبازداشتی های اعتراضات سراسری دی ماه 1404 در مشهد
- سیامک صادقی چهارزی خواستار آزادی بی قید و شرط فرهنگیان بازداشتی در ممسنی شد
- رویکرد خودکامه حاکمیت
- آزادی سه نفر از شش معلم بازداشتی در نورآباد ممسنی با تودیع وثیقه
- خبر فوری استاد رشید حسامی به قید وثیقه آزاد شد
- حکم بدوی رضا نیاپرست، دانشجوی ارشد تاریخ دانشگاه بهشتی توسط شورای تجدیدنظر دانشگاه عیناً تایید و قطعی گردید.
- مشاهده سوسک در غذای دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس
- تجمع اعتراضی جمعی از واردکنندگان و تامین کنندگان نهاده های دامی و کالاهای اساسی نسبت به عدم پرداخت مطالبات ارزی مقابل ساختمان وزارت جهاد کشاورزی
- اعتصاب کارگران فینکانتیری ایتالیا در اعتراض به جان باختن یک کارگر و شرایط ایمنی کار
- اعتراض ارتفاعی کارگران پیمانکاری کشتی سازی کره جنوبی برای مذاکره جمعی
- آغاز اقدام اعتراضی بیش از 100 هزار نفر از کارکنان بخش عمومی ایرلند نسبت به سطح دستمزد و کاهش قدرت خرید
- اعتراض چادرنشینی در اسپانیا نسبت به بحران مسکن و اخراج مستأجران
- جان باختن 55 کارگرداراستان مازندران بر اثر حوادث کاری طی پنجاول سال جاری؛ افزایش 31 درصدی نسبت به دوره مشابه سال گذشته
- بازهم جان باختن یک کارگردر مسیر محل کار و زندگی بر اثر تصادف؛ اینبار کارگر شهرک صنعتی کاوه ساوه بر اثر تصادف با یک خودرو سواری

*زنده و جاوید باد یاد و خاطره جان باختگان جمعه خونین زاهدان (8 مهرماه سال 1401)



***عفو بین‌الملل: چهار سال از «جمعه خونین» زاهدان و جان باختن 87 نفر گذشت**

روز چهارشنبه 30 سپتامبر، همزمان با چهارمین سالگرد «جمعه خونین» زاهدان، عفو بین‌الملل اعلام کرد که در این روز در سال 2022، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی به‌طور غیرقانونی 87 معترض بلوچ را در زاهدان کشتند.

این سازمان در پیامی به مناسبت سالگرد این رویداد، آن را بخشی از سرکوب خیزش «زن، زندگی، آزادی» دانست و اعلام کرد که مقام‌های جمهوری اسلامی برای درهم شکستن این خیزش، مرتکب جنایت علیه بشریت شده‌اند.

عفو بین‌الملل از مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواست سازوکاری بین‌المللی برای رسیدگی کیفری به جنایت‌های ارتكابی در ایران ایجاد کند.

***ادامه اعتراضات کارگران کارخانه هپکو اراک نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی با راهپیمایی در سطح شهر و تجمع مقابل استانداری**

روز چهارشنبه 8 مهر، کارگران کارخانه هپکو اراک در ادامه اعتراض خود نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی دست به راهپیمایی در سطح شهر اراک و تجمع مقابل استانداری مرکزی زدند.



یکی از کارگران این واحد تولیدی با تأکید بر ضرورت تعیین مدیریت جدید و رفع بحران فعلی تولید، به خبرنگار رسانه ای گفت: در جریان اجتماع روز گذشته، مسئولان استانداری اقدامی برای معرفی فرد جدیدی به عنوان سرپرست کارخانه انجام دادند که با مخالفت قاطع کارگران مواجه شد.

وی در ادامه توضیح داد: در حالی که استانداری اقدام به انتخاب سرپرست برای کارخانه کرده است، پیش از این نیز به مدت 4 تا 5 ماه، کارخانه تحت مدیریت یک سرپرست اداره می‌شد. با پیگیری

سوابق فرد معرفی شده مشخص شد که وی از مدیران سابق یکی از شرکت‌های خودروساز بوده که در دوران ریاست‌جمهوری رئیسی از کار کنار گذاشته شده بود.

این کارگرگفت: کارگران به صورت یکپارچه با مدیریت این فرد در هیکو مخالف هستند، چرا که نگران تشدید مشکلات موجود برای کارخانه و کارکنان هستند. بنابراین، تا زمان معرفی یک مدیر عامل واقعی (و نه صرفاً سرپرست)، هیکو همچنان یک کشتی بی‌ناخداست و ما به پیگیری‌های صنفی خود ادامه خواهیم داد.

در همین راستا، کارگر دیگری در خصوص مطالبات گفت: فقدان یک مدیر لایق، مشکلات گسترده‌ای را برای کارخانه و کارگران ایجاد کرده است؛ به طوری که تولید از سال جاری به طور کامل متوقف شده و برای پرداخت مطالبات مزدی کارگران، از وام‌های کلان استفاده شده است. علاوه بر این، به جز عدم دریافت بخشی از حقوق ماه مرداد، حقوق کامل ماه شهریور نیز هنوز پرداخت نشده است.

بنابراین گفته کارگران، با تشدید بحران در این واحد صنعتی، در حال حاضر وضعیت مدیریتی این مجتمع برای بیش از 1170 کارگر نامشخص است.

***سرآب گشایش در برخی حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی در بن‌بست سیاسی و اقتصادی**

جعفر ابراهیمی

اگر در روزهای تعطیل سری به ضلع شمالی پارک پردیسان و برخی خیابان‌های شهر تهران مانند ایرانشهر بزنید، یا افتتاحیه برخی مدارس خصوصی را در اول مهر ببینید، ممکن است فکر کنید چیزی تغییر کرده است. در پارک، جوانان با پوشش دلخواه در حال رقص هستند و در خیابان ایرانشهر گویی یک نمایش مُد خیابانی با لباس‌های متفاوت و تیپ‌های متفاوت‌تر در جریان است؛ که البته حق هر انسانی است که بر قصد و هر چه دوست دارد بپوشد. در چند قدمی آن‌ها پلیس حضور دارد اما کاری به کارشان ندارد؛ انگار همه چیز عادی است و باید خوشحال بود.

از سوی دیگر، روز مانور جان‌فدایان حکومت است؛ در حالی که زنان حامی حاکمیت رژه می‌روند، در نقطه‌ای دیگر زنان با پوشش اختیاری در دو مارا تن شرکت می‌کنند. آیا اتفاقی در حال رخ دادن است؟ آیا قرار است حاکمیت در اثر پیشروی معترضان، با مردم با گشودگی رفتار کند؟

این‌ها را بگذارید کنار صحنه‌هایی که از برخی مدارس منتشر شد؛ معلمان مدارس خصوصی برای خیرمقدم به دانش‌آموزان می‌رقصند، چه عالی! باز می‌پرسی یعنی اصلی‌ترین سنگر ایدئولوژیک نظام اسلامی در حال ترک برداشتن است؟ ممکن است چنین باشد.

به هر حال، در این سیستم هم به قول گرامشی، روشنفکران ارگانیکی وجود دارند که در بزنگاه‌ها با تحلیل‌های خود به کمک نظام حاکم می‌آیند و مثلاً می‌گویند باید فضای فرهنگی و اجتماعی را کمی گشود. اما آیا حاکمیت توان گشودن این فضا را دارد؟ به باور من نمی‌تواند؛ چون فضاهای فرهنگی و اجتماعی در خلاء شکل نمی‌گیرد، مستقل از پایه‌های مادی و اقتصادی نیست و از همه مهم‌تر، وقتی حکومت قرار نیست در عرصه سیاسی کمی گشوده شود، چطور ممکن است تن به گشودگی در عرصه فرهنگ بدهد؟

مثالش واضح است؛ در حالی که نشانه هایی در برخی حوزه های فرهنگی برای گشودگی فعال است، شش معلم (شکرالله احمدی، علی صفری، رسول بدایی، غفار دیندار، علی حسن بهامین و حجت سادات) را در نورآباد ممسنی بازداشت می کنند؛ شش فعال صنفی که صرفاً در یک دیدار دوستانه بوده اند، آن هم در زمانی که تشکلهای صنفی بیش از هر زمان دیگری سرکوب شده و قدرت عمل میدانی خود را از دست داده اند. پس چرا باید این افراد دستگیر شوند؟ در همین زمان، برای دانشگاه ابلاغیه حجاب می آید. چرا دانشگاه محدود است اما برخی پارکها آزاد و رها؟ و چرا این آزادی ها در نقاط دیگر تهران و شهرستان ها جاری نیست؟ آیا حاکمیت در حال تست کردن گشودن فضای اجتماعی و فرهنگی است؟

گفتیم فضاها، فرهنگی و اجتماعی در خلاء شکل نمی گیرند؛ پس باید سایر عرصه ها، از جمله عرصه اقتصاد و مناسبات آن و همچنین عرصه سیاسی را کاوید؛ سپس می توان بررسی کرد و دید آیا حاکمیت قادر است در این عرصه ها تغییرات ایجاد کند؛ مثلاً وضعیت اقتصادی را بهبود بخشد یا فضای سیاسی را اندکی باز کند؟

در طول ده سال گذشته در ایران، چهار خیزش سراسری رخ داده است: دی ۹۶، آبان ۹۸، شهریور ۱۴۰۱ و دی ۱۴۰۴. محرک اصلی قیام در سه مورد (به جز قیام ژینا) مسئله اقتصادی و معیشتی بوده است؛ هرچند در طول قیام ژینا نیز مسئله اقتصادی کاملاً به حاشیه نرفت. حال سوال اساسی این است که آیا حاکمیت بعد از بحران های متعدد، اکنون قادر است تضادهای اقتصادی خود را حل کند؟ کافی است وضعیت ثبات حکومت را با پیش از دی ۹۶ مقایسه کنیم؛ بی هیچ شکی حکومت ضعیف تر شده و قدرت و نفوذ منطقه ای خود را از دست داده است و عمق استراتژیک آن از سوریه به داخل مرزها منتقل شده است. یکی از علل مشکلات اقتصادی که به طبقه کارگر و سایر زحمت کشان تحمیل می شد، هزینه بودجه برای حفظ این عمق استراتژیک بود؛ البته رانت خواری، فساد ساختاری و غارت نیز از وجوه دیگر این اقتصاد است.

از سوی دیگر تمام شاخص های اقتصادی کلان مانند بیکاری، تورم، فقر و فلاکت و کسری بودجه رو به افزایش است. در حوزه آموزش و توسعه انسانی نیز شاخص هایی چون نرخ بازماندگی از تحصیل، افت تحصیلی، نابرابری آموزشی و فرار مغزها همه رو به رشد هستند. نمونه بارز و آشکار آن خروج جمعی از معلمان از شغل معلمی است. حتی بدون رجوع به این شاخص ها می توان فهمید که وضعیت معیشت و اقتصاد اکثریت مردم رو به وخامت است. از سویی حکومت درگیر جنگ و تحریم است و حتی اگر به صورت موقتی روند فساد و غارت سیستماتیک را متوقف کند، به نظر نمی رسد بتواند در عرصه اقتصاد به سمتی چرخش کند که اندکی عدالت در آن جاری باشد؛ در نتیجه، اعتراضات ناشی از معضلات اقتصادی و به تبع آن، مبارزه طبقاتی پابرجاست.

در عرصه سیاسی، حتی وضع برای نیروهای سیاسی از جمله باندها و جناح های درون حکومت بد است. این حکومت از فردای انقلاب ۵۷ تا به امروز انقباضی عمل کرده است؛ ابتدا نیروها و سازمان های چپ و مترقی که در پیروزی انقلاب نقش داشتند را حذف کرد، بعد در درون خود دست به تسویه زد. شقه شدن بعد از اتمام کار حزب جمهوری اسلامی آغاز شد و تا به امروز این روند ادامه داشته است. این تسویه را می توان در چپینش جدید در رأس حاکمیت دید. حتی به زندان فرستادن حمید رسایی و صدور حکم اعدام برای روحانی توسط جانفدایان نشان از بالا گرفتن جنگ قدرت بین

باند‌های مختلف درون‌سیستمی دارد. حال سوال اساسی این است: آیا این حکومت قادر است در عرصه سیاسی اندکی آزادی به دیگر جریان‌های سیاسی و تشکل‌های کارگری و مدنی بدهد؟ جواب مطلقاً خیر است؛ چون اندکی آزادی سیاسی، موجب سر باز کردن تضادهای جدی اقتصادی و به تبع آن، گسیل خشم توده‌ها و وقوع اعتراض و قیامی دیگر است.

در چنین شرایطی اما حکومت، در برخی حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی محدود فضا را کمی باز می‌کند و به نوعی با این سوپاپ اطمینان، جامعه را تست می‌کند. چرا محدود عمل می‌کند؟ چون حاکمیت در این عرصه نیز دچار استیصال است؛ اگر فضا را کاملاً باز کند، نیروهای جان‌فدای ایدئولوژیکش ناامید شده و از میدان به در می‌شوند؛ اگر فضای فرهنگی را کاملاً ببندد، اولاً اساساً توان اجرایی آن را ندارد، چون نسل جدید تن به مناسبات فرهنگی پیش از قیام ژینا نمی‌دهد. پس مجبور است بین حالت‌های متناقض و گشایش‌های جزیره‌ای در نوسان باشد.

حقیقت امر این است حاکمیت می‌داند که این نوسانات و مداراهای بخشی در حوزه اجتماعی و فرهنگی کنترل‌شده، به تنهایی باعث تغییر بنیادین نمی‌شود؛ حتی ممکن است بتواند به واسطه عواملش چنین جلوه دهد که در این بخش‌ها دارای پتانسیل تغییر است. اصولاً تغییر واقعی بر مبنای ایجاد مناسبات جدید در پایه‌های مادی (عرصه اقتصادی) و تأثیر متقابل آن بر سایر عرصه‌ها از جمله عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ممکن است. البته این بدان معنا نیست که تغییرات ناشی از پیشروی نیروهای معترض در عرصه فرهنگی و اجتماعی را نادیده بگیریم؛ بلکه به این معناست که نه روشنفکران ارگانیک حکومت قادرند حاکمیت را با نسخه‌های تعدیل فرهنگی از این شرایط بن‌بست خلاص کنند و نه روشنفکران مخالفی که صرفاً بر امر فرهنگی و سبک زندگی تأکید می‌کنند، راه به جایی خواهند برد.

حالا می‌توان به سوال «آیا اتفاقی در حال رخ دادن است؟» پاسخ داد؛ اتفاق جدی رخ نخواهد داد، چون حاکمیت می‌داند گشودگی کامل در عرصه فرهنگی و اجتماعی، نیازمند سطحی از گشودگی در عرصه‌های سیاسی است و این امر ممکن نمی‌شود، چون قادر به پاسخ دادن به تضادهای بنیادین نیست.

از سوی دیگر حاکمیت می‌داند تغییر بنیادین را نیروهایی می‌توانند رقم بزنند که از سطحی از تشکیلات و سازمان‌یابی برخوردارند و قادرند برای حل تضادهای بنیادین قدم بردارند و قدرت سیاسی را به دست بگیرند. حکومتی که غرق در تضادهای حل‌نشده است، دقیقاً به همین خاطر از هر سطحی از سازمان‌یابی می‌هراسد و هر جا نشانه‌ای از تشکل‌یابی یا احتمال آن باشد، با خشونت به آن حمله می‌کند. در اصل، آنچه حاکمیت را به وحشت می‌اندازد، پتانسیل سازمان‌دهی، انسجام جمعی و تمرین همبستگی نظام‌مندی است که در بطن تشکل‌ها نهفته است. حاکمیت می‌داند که خطر واقعی نه در گشودگی نسبی فرهنگی جامعه در برخی پارک‌های آزاد، بلکه در همبستگی و تشکیلات سازمان‌یافته طبقه کارگر و کسانی است که تحت استثمار و ستم عینی و ملموس طبقه حاکم هستند؛ از همین رو، دست به بازداشت‌های گسترده می‌زند، اعدام‌ها را به شدت افزایش می‌دهد تا رعب و وحشت ایجاد کند و معترضان قیام دی را به پای چوبه‌های دار می‌کشد تا آشکارا اعلام کند که هیچ‌گونه نرمش و عقب‌نشینی ساختاری در کار نیست.

حال می‌توان به این پرسش بازگشت که چرا فعالان و تشکل‌های صنفی و دانشجویان و دانشگاه در فشارند؟ پاسخ روشن است؛ دانشگاه، تشکل‌ها و فعالان صنفی معلمان به این دلیل محدود و تحت سرکوب قرار دارند، چون این نهادها و افراد، برخلاف فضاهای اتمیزه‌شده عمومی، از پتانسیل اعتراضی، توان شبکه‌سازی، امکان سازمان‌یابی و قدرت سازماندهی توده‌ای جامعه برخوردارند. بیهوده نیست در هفته اول بازگشایی دانشگاه‌ها در اعتراض به سیاست‌های سرکوبگرانه، دانشجویان شعار می‌دهند:

گرانی، تورم، بلای جان مردم

بیگاری، بیکاری، حجاب زن اجباری

دانشگاه پولکی، نمی‌خوایم نمی‌خوایم

نه پادگان نه بنگاه، درود بر دانشگاه

دانشجوی زندانی، آزاد باید گردد

و بعید نیست با ادامه این روند، دانشگاه‌ها به بهانه‌های مختلف مجازی شوند.

منبع: کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

*** اعدام 2 کارگراز بازداشتی های اعتراضات سراسری دی ماه 1404 در مشهد**

روز چهارشنبه 8 مهر، میزان خبرگزاری وابسته به قوه قضائیه از اعدام علی همتی سیستانی، کارگر و پدر دو بچه و مجید نیک‌اندیش، کارگر صافکاراز بازداشتی های اعتراضات سراسری دی ماه 1404 در مشهد، خبر داد.

*** سیامک صادقی چهارازی خواستار آزادی بی‌قید و شرط فرهنگیان بازداشتی در ممسنی شد**

رویکرد خودکامه حاکمیت

یکبار دیگر، بازتولید و اشاعه فضای رادیکال و اختناق‌آمیز در سپهر فرهنگی کشور و به‌کارگیری ابزارهای قهری امنیتی علیه گروهی از معلمان آگاه و متعهد به آموزش و تعلیم، ثمری جز دمیدن یأس و ناامیدی در روح و کالبد بی‌جان علم و دانش این روزگار نخواهد داشت.

اینجانب #سیامک_صادقی_چهارازی، بازداشت خودسرانه جمعی از معلمان را — که تنها برای امری انسانی و نوع‌دوستانه به عیادت معلمی می‌روند — محکوم می‌کنم. با شناختی که از آقایان رسول بداقی، غفار دیندار، شکرالله احمدی، علی حسن بهامین، علی صفری و حجت سادات دارم، این سرمایه‌های انسانی حوزه آموزش و پرورش دغدغه‌ای جز عدالت آموزشی و کرامت انسانی معلم نداشته‌اند و ندارند؛ از این‌رو خواستار آزادی بی‌قید و شرط آنان هستم.

یکشنبه ۵ مهر ۱۴۰۵، زندان شیپان اهواز

انجمن صنفی معلمان فارس

***آزادی سه نفر از شش معلم بازداشتی در نورآباد ممسنی با تودیع وثیقه**

آقایان

علی صفری

شکرااله احمدی

علی حسن بهامین

که روز جمعه ۳ مهرماه، در شهرستان ممسنی و در جریان یک مهمانی و عیادت از بیمار، با ورود و عملیات مأموران امنیتی بازداشت و به زندان این شهر منتقل شده بودند، با تودیع وثیقه‌های ۵۰۰ میلیون، یک میلیارد و دو میلیارد تومانی آزاد شدند .

اما پرسش اساسی اینجاست:

گرفتن چنین وثیقه‌های سنگینی از چند معلم بازنشسته و فعال صنفی ، جز ایجاد ترس و رعب و تلاش برای جلوگیری از شکل‌گیری اتحاد و همبستگی اجتماعی، چه معنای دیگری می‌تواند داشته باشد؟

واقعاً چقدر باید از قلم چند معلم و فعال صنفی هراس داشت که برای آنان پرونده ساخت و چنین وثیقه‌هایی تعیین کرد؟

قلم این معلمان که نه ثروتی پشت آن است و نه قدرتی جز آگاهی، اما ظاهراً همین قلم، وقتی با همبستگی و اتحاد گره می‌خورد، آنقدر جدی گرفته می‌شود که برای خاموش کردنش، زندان و وثیقه به میان می‌آید .

اگر از چند معلم بازنشسته و چند قلم خالی از قدرت این چنین هراس دارید، شاید مسئله نه قدرت آنان، بلکه ترس از آگاهی و همبستگی باشد

انجمن صنفی معلمان فارس

***خبر فوری استاد رشید حسامی به قید وثیقه آزاد شد**

آقای رشید حسامی معلم دلسوز و فعال فرهنگی اهل قروه، پس از مدتی بازداشت، شکنجه و تحمل فشارهای امنیتی، با تودیع قرار وثیقه از زندان سنج آزاد شد .

به همین مناسبت، مراتب قدردانی و سپاس بی‌پایان خود را از عموم مردم شریف و بزرگوار قروه اعلام می‌داریم که در این مدت با همبستگی، همدلی و حمایت‌های همه‌جانبه خود، خانواده استاد حسامی را تنها نگذاشتند و صدای حق‌طلبی و عدالت‌خواهی ایشان بودند .

شایسته است سپاس و تشکر ویژه‌ای هم داشته باشیم از همسایگان عزیز و بامعرفت که در تمام روزهای سخت و نفس‌گیر بازداشت، در کنار این خانواده ایستادند، با حضور گرمشان مایه دلگرمی شدند و رسم همسایگی و همدلی را به زیباترین شکل ممکن به جا آوردند. بی‌شک این آزادی، ثمره این ایستادگی، اتحاد و همدلی تماشایی شماست.

همچنین ما جمعی از فرهنگیان، معلمان و تلاشگران عرصه تعلیم و تربیت، مراتب ارادت، سپاس و قدردانی عمیق خود را از اقدام هوشمندانه، مسئولانه و دلسوزانه‌ی «انجمن صنفی معلمان کوردستان و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» در خصوص پوشش رسانه‌ای و حمایت قاطع از جناب آقای رشید حسامی اعلام می‌داریم.

این تصمیم شایسته از سوی انجمن صنفی کاملاً همسو با خواست، اراده و مطالبات انباشته شده‌ی بدنه فرهنگیان است. حضور و حمایت از چهره‌های توانمند، متعهد و خوش‌نامی چون آقای رشید حسامی، گامی بلند و اساسی در جهت استیفای حقوق معلمان و ارتقای جایگاه آموزش و پرورش منطقه به شمار می‌رود.

ما فرهنگیان، ضمن تجدید عهد با آرمان‌های صنفی خود، حمایت همه‌جانبه‌ی خود را از این رویکرد اصولی اعلام داشته و امیدواریم این همدلی و وفاق، سرآغاز تحولاتی روشن و پایدار باشد.

برگرفته از کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان

***حکم بدوی رضا نیاپرست، دانشجوی ارشد تاریخ دانشگاه بهشتی توسط شورای تجدیدنظر دانشگاه عیناً تایید و قطعی گردید.**

وی پیش‌تر با رای بدوی کمیته انضباطی و به اتهام ایجاد بلوا و آشوب در محیط دانشگاه و توهین به شعائر مذهبی یا ملی، به دو ترم محرومیت از تحصیل و پیشنهاد اخراج از دانشگاه محکوم گردیده بود.

او پیش از صدور این حکم به مدت پنج ماه از خدمات آموزشی و رفاهی دانشگاه محروم بود و علی‌رغم قبولی در مقطع دکتری دانشگاه بهشتی، از دفاع پایان‌نامه و ثبت نام دکتری منع شد.

صنف مستقل دانشجویان بهشتی

***مشاهده سوسک در غذای دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس**

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، امروز چهارشنبه ۸ مهر ماه در غذای توزیع‌شده در دانشگاه تربیت مدرس، سوسک مشاهده شده است.

در هفته گذشته دست‌کم ۴ گزارش از کیفیت بد غذای سلف دانشگاه‌ها دریافت شده که نشان می‌دهد سلامت دانشجویان برای دانشگاه‌ها هیچ اهمیتی ندارد.

***تجمع اعتراضی جمعی از واردکنندگان و تامین‌کنندگان نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی نسبت به عدم پرداخت مطالبات ارزی مقابل ساختمان وزارت جهاد کشاورزی**

روز سه‌شنبه 7 مهر، جمعی از واردکنندگان و تامین‌کنندگان نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات ارزی که پس از گذشت حدود 19 ماه، رقم آن به بیش از 4 میلیاردیورو رسیده است مقابل ساختمان وزارت جهاد کشاورزی در تهران تجمع کردند.



*اعتصاب کارگران فینکانتیری ایتالیا در اعتراض به جان باختن یک کارگر و شرایط ایمنی کار

روز چهارشنبه 30 سپتامبر، کارگران کارخانه کشتی‌سازی فینکانتیری در شهر آنکونا، در پی جان باختن یک کارگر 54 ساله تونس‌ای و زخمی‌شدن شدید یک کارگر 29 ساله بنگلادشی در حادثه آتش‌سوزی، دست به اعتصاب هشت‌ساعته در هر شیفت زدند. هر دو کارگر در استخدام یک شرکت بیمانکاری بودند.

این حادثه سه‌شنبه شب (29 سپتامبر)، هنگام انجام عملیات جوشکاری روی یک کشتی رخ داد. پلیس درباره علت آتش‌سوزی تحقیق می‌کند و اتحادیه‌های کارگری احتمال نقص دستگاه جوشکاری را

مطرح کرده‌اند. کارگر 54 ساله بر اثر سوختگی شدید جان باخت و کارگر بنگلادشی نیز به شدت زخمی شد.

اتحادیه‌های فیوم، فیم و اوپلم ضمن برگزاری تجمع اعتراضی مقابل کارخانه، خواستار سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش و تجهیزات حفاظتی و بازنگری در نظام پیمانکاری و برون‌سپاری شدند. این اتحادیه‌ها اعلام کردند که در تمام کارخانه‌های فینکانتیری ایتالیا نیز دو ساعت اعتصاب برگزار می‌شود.

***اعتراض ارتفاعی کارگران پیمانکاری کشتی‌سازی کره جنوبی برای مذاکره جمعی**

روز چهارشنبه 30 سپتامبر، شش کارگر پیمانکاری شرکت هانوا اوشن در کارخانه کشتی‌سازی این شرکت در شهرجنوچه در استان گیونگ‌سانگ جنوبی، در اعتراض به برگزار نشدن مذاکره جمعی با شرکت اصلی، به سقف یک کارخانه و یک جرثقیل رفته و دست به تحصن زدند.



این اقدام پس از آن صورت گرفت که کارگران از ماه فوریه و به مدت 218 روز در برابر کارخانه چادر زده و خواستار مذاکره مستقیم با شرکت اصلی شده بودند. این کارگران خواهان آن هستند که هانوا اوشن به‌عنوان شرکت اصلی، مسئولیت مذاکره جمعی با کارگران پیمانکار را بپذیرد.

اتحادیه کارگران پیمانکاری کشتی‌سازی می‌گوید با وجود اجرای اصلاح قانون اتحادیه‌های کارگری در 10 مارس و امکان طرح مطالبه مذاکره با شرکت اصلی، هنوز مذاکرات آغاز نشده است. کمیسیون‌های روابط کار منطقه‌ای و مرکزی نیز در پرونده‌ای جداگانه، هانوا اوشن را کارفرمای کارگران پیمانکار بخش خدمات و تأسیسات این شرکت تشخیص داده‌اند؛ اما شرکت نسبت به این تصمیم اعتراض کرده و پرونده اکنون در دادگاه اداری سئول در حال بررسی است.

هانوا اوشن اعلام کرده است که این اقدام را غیرقانونی می‌داند و مطابق روندهای قانونی با آن برخورد خواهد کرد.

***آغاز اقدام اعتراضی بیش از 100 هزار نفر از کارکنان بخش عمومی ایرلند نسبت به سطح دستمزد و کاهش قدرت خرید**

روز چهارشنبه 30 سپتامبر، بیش از 100 هزار نفر از کارکنان بخش عمومی و دولتی ایرلند، در اعتراض به نبود توافق جدید بر سر دستمزدها و افزایش هزینه‌های زندگی، اقدام اعتراضی خود را به شکل «کار مطابق مقررات» (work-to-rule) آغاز کردند.

این اقدام شامل کارکنان بخش‌های بهداشت، آموزش، دولت محلی و خدمات دولتی است. کارکنان در چارچوب اقدام اعتراضی، تنها وظایف تعیین‌شده در قرارداد و ساعات کاری خود را انجام می‌دهند و از اضافه‌کاری بدون دستمزد، پذیرش وظایف خارج از شرح شغل و برخی فعالیت‌های داوطلبانه خودداری می‌کنند. پرستاران نیز اعلام کرده‌اند تنها وظایف ضروری برای مراقبت ایمن از بیماران را در ساعات کاری خود انجام خواهند داد.

توافق قبلی دستمزد بخش عمومی در پایان ماه ژوئن منقضی شد و اتحادیه‌ها می‌گویند هنوز مذاکرات واقعی برای توافق جدید آغاز نشده است. اتحادیه‌ها همچنین اعلام کرده‌اند که در صورت ادامه بن‌بست، اقدامات اعتراضی در هفته‌های آینده تشدید خواهد شد؛ از جمله اعتصاب یک‌روزه سراسری در 14 اکتبر.

دولت ایرلند اعلام کرده آماده ازسرگیری مذاکرات است، اما اختلاف بر سر شرایط آغاز این مذاکرات همچنان ادامه دارد.

***اعتراض چادرنشینی در اسپانیا نسبت به بحران مسکن و اخراج مستأجران**

روز چهارشنبه سپتامبر، بیش از هزار نفر با برپایی حدود 500 چادر در میدان پوئرتا دل سول مادرید به اعتراض خود علیه بحران مسکن، افزایش اجاره‌بها و اخراج مستأجران ادامه دادند. این اردوگاه اعتراضی از آخر هفته گذشته برپا شده و معترضان خواستار اقدام فوری برای تضمین دسترسی به مسکن مناسب و حمایت بیشتر از مستأجران هستند.

این اعتراض‌ها پس از اخراج ماری‌کارمن آباسکال، زن 87 ساله‌ای که بیش از 70 سال در خانه خود در مادرید زندگی کرده بود، شدت گرفت و به شهرهای دیگر اسپانیا نیز گسترش یافت. در بارسلونا نیز حدود 100 نفر در میدان کاتالونیا چادر زده‌اند و نزدیک به 50 چادر در این اردوگاه برپا شده است.



دولت اسپانیا روزهای اخیر مجموعه‌ای از اقدامات اضطراری مسکن، از جمله تمدید حمایت از مستأجران آسیب‌پذیر در برابر اخراج تا سال 2023 و مقررات جدید برای قراردادهای اجاره، پیشنهاد کرده است. با این حال، گروه‌های معترض این اقدامات را برای حل بحران مسکن کافی نمی‌دانند و اعلام کرده‌اند که به اعتراض خود ادامه خواهند داد.

***جان باختن 55 کارگردارستان مازندران بر اثر حوادث کاری طی پنجاول سال جاری؛ افزایش 31 درصدی نسبت به دوره مشابه سال گذشته**

مدیرکل پزشکی قانونی مازندران از جان‌باختن 55 کارگر (54 مرد و یک زن) در استان مازندران بر اثر حوادث کاری طی پنجاول سال جاریخبرداد و اضافه کرد: شمار فوتی‌های این حوادث در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته 31 درصد افزایش یافته‌است.

وی افزود: بررسی آمارهای ثبت‌شده نشان می‌دهد سقوط از ارتفاع همچنان بیشترین سهم را در مرگ‌های ناشی از حوادث کار داشته است؛ به‌طوری که 34 مورد فوت در این بازه زمانی بر اثر سقوط از بلندی رخ داده است.

وی ادامه داد: پس از سقوط از ارتفاع، برق‌گرفتگی با 10 فوتی و برخورد با اجسام سخت با 8 فوتی در رتبه‌های بعدی عوامل مرگ ناشی از حوادث کار قرار دارند و 3 مورد نیز مربوط به سایر حوادث بوده است.

وی با اشاره به آمار مصدومان حوادث کار در استان نیزگفت: طی پنج ماه امسال، 400 نفر شامل 371 مرد و 29 زن به دلیل صدمات ناشی از حوادث کار به مراکز پزشکی قانونی مازندران مراجعه کردند که این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته 4 درصد افزایش نشان می‌دهد.

***باز هم جان باختن یک کارگردر مسیر محل کار و زندگی بر اثر تصادف؛ اینبار کارگر شهرک صنعتی کاوه ساوه بر اثر تصادف با یک خودرو سواری**

سه شنبه شب (7 مهر)، یک کارگر شاغل در شهرک صنعتی کاوه ساوه، حین تردد با موتور در خیابان یکم (از معابر اصلی و داخلی شهرک صنعتی ساوه)، دردم جان خود را از دست داده است .

akhbarkargari2468@gmail.com